

ارزیابی و نقد شیوه مدخل‌گزینی و معادل‌یابی در فرهنگ موضوعی فارسی به انگلیسی کولین ترنر

حسین داوری^۱

(دریافت: ۹۸/۱۱/۲۱ - پذیرش: ۹۹/۸/۱۹، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

از جمله مواد و منابع آموزشی در حوزه آموزش یک زبان به سخنگویان دیگر زبان‌ها، فرهنگ‌های آموزشی ای است که به عنوان منابع واژگانی ارزشمند و کارآمد با رویکردی آموزشی و متفاوت از فرهنگ‌های عمومی تهیه و تدوین می‌گردند. هدف از انتشار این دسته از منابع، به عنوان آثاری مرجع، برآورده ساختن نیازهای فراگیران دیگر زبان‌هاست. بررسی محدود فرهنگ‌های موجود در حوزه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان بیانگر آن است که مشخصاً در خصوص فرهنگ‌های آموزشی دوزبانه فارسی به انگلیسی، فرهنگ موضوعی فارسی-انگلیسی، تألیف کولین ترنر که نخستین بار در سال ۲۰۰۳ انتشارات پرآوازه روتلج منتشر کرد، مخاطبان بسیاری را به خود جلب نموده که انتشار بخش‌های متعدد آن در فضای مجازی نیز بر دامنه آن‌ها افزوده است. با توجه به اهمیت اجتناب ناپذیر این فرهنگ، در این مقاله ضمن معرفی آن، بر پایه اصول و مبانی نوین فرهنگ‌نویسی، به طور مشخص در خصوص شیوه مدخل‌گزینی، معادل‌یابی و واژه‌سازی به ارزیابی و نقد آن پرداخته شده است. نتایج حاکی است که این فرهنگ با وجود برخی امتیازها، شهرت و اعتبار با کاستی‌هایی بس جدی روبه‌روست.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ آموزشی، ارزیابی، مدخل، معادل، فرهنگ موضوعی.

۱. استادیار، دانشگاه دامغان، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان انگلیسی، دامغان، ایران

(h.davari@du.ac.ir)

**An Evaluation and Criticism of the Selection of Entries and Equivalents in
Collin Turner's *A Thematic Dictionary of Modern Persian***

Hossein Davari¹

Abstract

Learner's dictionaries are among the educational resources which are used in teaching a language to the speakers of other languages. Such educational or pedagogical dictionaries, which are known as valuable and efficient works, are compiled differently from general dictionaries. The aim of compiling such works as reference ones is meeting the needs of foreign learners. The study of a few available dictionaries in the field of teaching Persian language to speakers of other languages reveals that specifically in the realm of Persian to English dictionaries, Collin Turner's *A Thematic Dictionary of Modern Persian* which was published by Routledge in 2003 has gained the users' attention more than other works. Due to the inevitable importance of this dictionary, this paper firstly introduces the work in brief, then studies and analyzes the selection of its entries, equivalents, etc. The findings indicate that although this work wins recognition, it suffers from many shortcomings.

Keywords

Learner's dictionary, Evaluation, Entry, Equivalent, Thematic dictionary.

1. Assistant Professor, Damghan University, Faculty of Humanities, English Language Department, Damghan, Iran (h.davari@du.ac.ir)

مقدمه

نقش بی‌بدیل فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه آموزشی در آموزش یک زبان به فراگیران دیگر زبان‌ها به حدی است که جکسون (Jackson, 2002) و تارپ (Tarp, 2008) این دسته از منابع آموزشی را مهم‌ترین ابزار آموزشی‌ای برمی‌شمارند که به هیچ وجه نمی‌توان خلأ آن را با مواد دیگر و یا حتی با فرهنگ‌های عمومی پر نمود. آتکینز (Atkins, 1985)، تارپ (Tarp, 2010) و کوی (Cowe, 2011) با متفاوت شمردن فرهنگ‌های آموزشی از حیث طرح و محتوا، یادآور این نکته شده‌اند که فرهنگ‌ها به فراخور نوع مخاطب و هدف، از حیث نحوه ارائه اطلاعات با یکدیگر متفاوت‌اند.

اما در حوزه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، کتاب‌شناسی آثار موجود مبین آن است که فرهنگ‌های دوزبانه آموزشی انگشت‌شماری منتشر شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۳؛ قره‌گزی و اصغریور، ۱۳۹۲؛ رئیسی، ۱۳۹۶؛ دبیرمقدم و قره‌گزی، ۱۳۹۷). بررسی دقیق‌تر آثار در این حوزه نشان می‌دهد که در حوزه فرهنگ‌های آموزشی فارسی به انگلیسی شاهد انتشار حداقل هفت اثر بوده‌ایم که در این مقاله به‌طور مشخص مهم‌ترین اثر در بین آن‌ها از حیث جامعیت، اعتبار و شهرت، یعنی فرهنگ موضوعی فارسی به انگلیسی تألیف کولین ترنر (Turner, 2003)، معرفی و نقد شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

این فرهنگ که معرفی و نقد آن موضوع اصلی این مقاله را به خود اختصاص داده به استناد مقدمه اثر از منظر کلان‌ساختار، فرهنگی موضوعی با ۲۵۰۰۰ مدخل و هفتاد موضوع مشخص و مجزاست که هدف اصلی آن برآورده ساختن نیازهای زبان‌آموزان در حوزه فارسی امروزی است. در قسمت ضمیمه فرهنگ نیز فهرست‌هایی واژگانی حاوی افعال ساده و مرکب و نیز اسامی و عبارات عامیانه، اسامی و صفات متفرقه و غیره آمده است. از مقدمه اثر این‌گونه برمی‌آید که شماری از فارسی‌زبانان و یا آشنایان به زبان فارسی به اشکال مختلف به مؤلف یاری رسانده‌اند. این فرهنگ با مقدمه انوش احتشامی از استادان ایرانی دانشگاه دورهام همراه شده است. در کنار برخی امتیازهای این فرهنگ همچون پیشگام بودن، پوشش حوزه‌ها و موضوعات متعدد و متنوع، شاهد توجه به برخی عبارات، جملات و اصطلاحات پرکاربرد هستیم که بررسی و مرور دقیق‌تر آن‌ها با آشکارشدن ضعف‌ها و نقص‌هایی جدی همراه بوده است.

از این رو، در ادامه، نظر به اهمیت ارزیابی و نقد فرهنگ^۱ به طور عام (ر.ک.): (Akasu, 2013; Hartmann, 1996) و ضرورت نقد انواع فرهنگ‌های واژگانی در زبان فارسی در راستای اصلاح و بهبود آن‌ها (ر.ک.: قانع‌فرد، ۱۳۸۴؛ جعفری، ۱۳۹۲؛ داوری، ۱۳۹۶)، ضمن ارائه مبانی نظری این پژوهش، با توجه به ادعاهای مطرح شده درباره اهداف فرهنگ از سوی مؤلف، مقدمه‌نویس و ناشر، به ارزیابی و نقد آن‌ها به‌ویژه از دو منظر مدخل‌گزینی و معادل‌یابی پرداخته می‌شود.

معرفی فرهنگ‌های آموزشی فارسی - انگلیسی

مروری بر فرهنگ‌های آموزشی موجود مبین آن است که در سال‌های اخیر در کنار برخی آثار پراکنده، همچون میرصادقی (2014 & Mirsadeghi, 2013) که به سیاق برخی آثار غربی به معرفی واژه‌ها و عبارات پرکاربرد پرداخته است، حداقل شاهد انتشار هفت فرهنگ بوده‌ایم؛ فرهنگ‌هایی که به جز دو مورد، جملگی در خارج از کشور منتشر شده‌اند. در ادامه، به اجمال، این چند اثر معرفی و سپس، به‌طور مشخص، فرهنگ موضوعی فارسی به انگلیسی با انتشارات روتلج معرفی و ارزیابی می‌گردد.

۱. فرهنگ یاور دهقانی (Dehghani, 2006). این فرهنگ دوسویه فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی نخستین بار در سال ۲۰۰۶ در استرالیا منتشر شد. مؤلف که تجربه تدریس زبان فارسی در خارج از کشور و به‌طور خاص استرالیا را دارد، این فرهنگ را با هدف برآورده ساختن نیازهای فارسی‌آموزان انگلیسی‌زبان تدوین نموده است. این اثر را می‌توان نه فرهنگی نظام‌مند، بلکه فهرستی از واژه‌ها در دو زبان برشمرد که در قالب فرهنگ به‌اصطلاح آموزشی عرضه شده است.

۲. فرهنگ انوشیروان محمدزاده میانجی (Mohammadzadeh Miandji, 2003). این فرهنگ با بیش از ۸ هزار مدخل، در سال ۲۰۰۳ در آمریکا منتشر شد. مؤلف آن که در سال ۱۳۷۴ کتابی با عنوان *فارسی مدرن* (محمدزاده میانجی، ۱۳۷۴) را در ایران منتشر نموده، هدف خود را کمک به فراگیران این زبان ابراز نموده است. فرهنگ محمدزاده میانجی، گرچه بارها منتشر شده با کاستی‌هایی متعدد در بخش مدخل‌گزینی و معادل‌یابی دارد؛ به بیانی روشن‌تر، به مثابه فهرستی از واژه‌هاست که فارغ از اصول فرهنگ‌نگاری تدوین یافته است.

1. dictionary evaluation and criticism

۳. فرهنگ آود و شهریباف (Awde & Shahribaf, 2006). این فرهنگ کوچک که در سال ۲۰۰۶ در امریکا منتشر شد، با نقصی بزرگ، یعنی نبود الفبای فارسی و نیز مدخل‌ها به صورت حرف‌نگاری به انگلیسی روبه‌روست؛ موضوعی که اساساً اثر را از قالب یک فرهنگ دوزبانه متعارف خارج ساخته است.
۴. فرهنگ مریم زمانخانی (Zamankhani, 2015). این فرهنگ دوسویه فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی نخستین بار در سال ۲۰۱۱ در انگلستان و ویراست سوم آن در ۲۰۱۵ انتشار یافته است. فرهنگ مذکور که ناشر آن از الگوی واحد ارائه‌شده پیروی می‌کند، در برگیرنده فهرست واژه‌ها و معادل آن‌هاست. شواهد مبین آن است که در تألیف این اثر، ابتدا برای فهرست واژه‌های انگلیسی، معادل فارسی انتخاب شده و معادل‌های فارسی مجدداً در قالب فرهنگ فارسی به انگلیسی فهرست شده‌اند.
۵. فرهنگ موضوعی اسماعیل زارع بهتاش (۱۳۹۳). مؤلف فرهنگ که تجربه انتشار فرهنگ جیبی فارسی به انگلیسی را دارد، در این اثر آموزشی (۱۳۹۳) به شکل موضوعی به واژه‌های فارسی و معادل آن‌ها در زبان انگلیسی پرداخته است. از جمله این موضوعات می‌توان به حیوانات، پرندگان، پوشاک، خوردنی‌ها، و مشاغل اشاره کرد. این اثر را می‌توان از جمله فرهنگ‌های آموزشی منتشرشده در داخل برشمرد.
۶. *واژگان موضوعی معاصر (بختی و فقیهی، ۱۳۸۱)*. این فرهنگ آموزشی که در حقیقت ترجمه فرهنگ *واژگان معاصر انگلیسی لانگمن*^۱ (McArthur, 1991) است، با افزودنی‌هایی همراه بوده و دارای ۱۷ فصل و هر فصل نیز دارای شماری بخش است؛ در مجموع در برگیرنده ۸۴ بخش یا موضوع است. علاوه بر مدخل‌های مرتبط با هر بخش، در مواردی دارای اصطلاحات و عبارات مرتبط با مدخل مورد نظر و نیز تصویر و مثال بوده که بر جنبه آموزشی آن افزوده است. در پایان کتاب نیز واژه‌های انگلیسی به شکل الفبایی به همراه شماره صفحه فهرست شده است که دستیابی به واژه را برای کاربر ساده‌تر می‌سازد. از جمله کاستی‌های اصلی این فرهنگ می‌توان ارائه تعریف به جای معادل در مواردی متعدد و نیز ترجمه‌های نامناسب فارسی شماری از مثال‌های انگلیسی برشمرد.
۷. *فرهنگ موضوعی فارسی - انگلیسی کولین ترنر* (Turner, 2003). فرهنگ فارسی - انگلیسی کولین ترنر که معرفی و نقد آن موضوع اصلی این مقاله را به خود اختصاص داده به استناد مقدمه اثر از منظر کلان‌ساختار، فرهنگی موضوعی با ۲۵ هزار مدخل و ۷۰

1. Longman Lexicon of Contemporary English

موضوع مشخص و مجزاست که هدف اصلی آن پاسخ به نیازهای زبان‌آموزان در حوزه فارسی‌آموزی است. در قسمت ضمیمه فرهنگ نیز فهرست‌هایی واژگانی حاوی افعال ساده و مرکب و نیز اسامی و عبارات عامیانه، اسامی و صفات متفرقه و غیره آمده است. از مقدمه اثر این گونه برمی‌آید که شماری از فارسی‌زبانان و یا آشنایان به زبان فارسی به اشکال مختلف به مؤلف یاری رسانده‌اند. این فرهنگ با مقدمه انوش احتشامی از استادان ایرانی دانشگاه دورهام همراه شده است. در کنار برخی از امتیازهای این فرهنگ، همچون پیشگام بودن، پوشش حوزه‌ها و موضوعات متعدد و متنوع، توجه به برخی عبارات، جملات و اصطلاحات پرکاربرد، اما شاهدیم که بررسی و مرور دقیق‌تر آن با آشکار شدن ضعف‌ها و نقص‌هایی جدی همراه بوده است. از این رو در ادامه، نظر به اهمیت ارزیابی و نقد فرهنگ^۱ به طور عام (ر.ک.: Akasu, 2013; Hartmann, 1996) و نقد فرهنگ‌های واژگانی در زبان فارسی (ر.ک.: قانع‌فرد، ۱۳۸۴؛ جعفری، ۱۳۹۲)، ضمن ارائه چارچوب نظری این پژوهش، با توجه به ادعاهای مطرح‌شده مؤلف، مقدمه‌نویس و ناشر درباره اهداف فرهنگ، به بررسی و نقد آن‌ها به‌ویژه از دو منظر مدخل‌گزینی و معادل‌یابی می‌پردازیم.

مبانی نظری پژوهش

پیش از ارزیابی و نقد فرهنگ مورد نظر، با هدف ارائه تصویری گویا از چارچوب نظری پژوهش حاضر، ابتدا ماهیت، انواع، ویژگی‌ها و کارکرد فرهنگ‌های موضوعی^۲ بررسی می‌شود و سپس ضمن معرفی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، به اهمیت نحوه مدخل‌گزینی و معادل‌یابی در این دسته از فرهنگ‌های آموزشی اشاره خواهد شد.

استارک (Stark, 2011)، در معرفی فرهنگ‌های موضوعی به عنوان حوزه‌ای تلفیقی و نوآورانه در عرصه فرهنگ‌نویسی، به این نکته اشاره می‌کند که متأثر از تحولات و پیشرفت‌های نظری و ارائه دستاوردهای عملی در عرصه فرهنگ‌نویسی و به‌ویژه فرهنگ‌نویسی آموزشی، شاهد انتشار فرهنگ‌های موضوعی متنوع و روزآمدی در زبان‌های مختلف بوده‌ایم. وی در طبقه‌بندی فرهنگ‌های موضوعی، آن‌ها را در دو طبقه فرهنگ‌های موضوعی یک‌زبانه و فرهنگ‌های موضوعی دوزبانه قرار می‌دهد که فرهنگ‌های موضوعی دوزبانه خود در برگیرنده دو نوع: الف) گنج‌واژه‌های موضوعی

1. dictionary evaluation and criticism
2. thematic dictionary

دوزبانه^۱ و ب) فرهنگ‌های موضوعی دوزبانه آموزشی^۲ هستند.

اما تدوین فرهنگ‌های موضوعی دوزبانه آموزشی، مانند که فرهنگ موضوعی فارسی به انگلیسی ترنر (Turner, 2003)، عمری نسبتاً کوتاه دارند. اولین نمونه این دسته از فرهنگ‌ها که فرهنگ موضوعی انگلیسی به فرانسوی است، در سال ۱۹۹۴ منتشر گردید که زمینه‌ساز انتشار فرهنگ‌های گوناگون در زبان‌های مختلف شده است. ظهور این نوع فرهنگ‌ها که به استناد استارک (Stark, 2011)، تلفیقی است از ویژگی‌های سه گانه فرهنگ‌های دوزبانه، موضوعی و آموزشی، به شکل‌گیری حوزه پژوهشی نوظهوری در عرصه فرهنگ‌نویسی دامن زده که عمده توجه آن به بررسی ویژگی‌های تدوین و نیز مبانی ارزیابی و نقد آن‌ها معطوف است.

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این دسته از فرهنگ‌ها که در تدوین و ارزیابی آن‌ها باید لحاظ نمود، در کنار ظرافت‌های نحوه تعیین بخش‌های موضوعی در این دسته از فرهنگ‌ها و نیز انتخاب مدخل‌ها در هر بخش موضوعی (Jackson, 2002)، توجه به اصول و مؤلفه‌های مدخل‌گزینی و معادل‌یابی است که استارک (Stark, 2011) آن‌ها را به این شکل معرفی نموده است:

۱. متناسب با نوع فرهنگ موضوعی آموزشی از حیث فرهنگ عمومی یا تخصصی، آیا در انتخاب مدخل‌ها و نیز معادل‌ها، به این جنبه توجه شده است؟ آیا در فرهنگ عمومی موضوعی دوزبانه عمومی، ردی از مدخل‌ها و یا معادل‌های تخصصی وجود دارد؟
۲. انتخاب مدخل‌ها مبتنی بر پیکره گفتاری بوده و یا نوشتاری و یا هر دو؟ آیا در معادل‌یابی به این موضوع توجه شده است؟
۳. آیا واژه‌ای که به عنوان مدخل انتخاب شده است، بسامد کافی برای ضبط در یک فرهنگ را دارد؟
۴. در گزینش مدخل‌ها و به تبع آن انتخاب معادل‌ها، به مؤلفه سبک تا چه حد توجه شده است؟ آیا به سطوح رسمی، غیر رسمی، محاوره‌ای، ادبی، عامیانه و غیره پرداخته شده است؟ آیا با برجسب‌زنی، سبک این واژه‌ها از یکدیگر متمایز شده است؟
۵. آیا در مدخل‌گزینی و معادل‌یابی به عنصر زمان توجه شده است؟ مواجهه فرهنگ با واژه‌های قدیمی، منسوخ و یا نوواژه‌ها چگونه است؟

1. bilingual thematic thesaurus

2. learner's bilingual thematic dictionary

۶. آیا فرهنگ علاوه بر مدخل، حاوی مثال نیز هست؟ آیا مثال‌ها برگرفته از بافت طبیعی است؟ آیا ترجمه آن‌ها دقیق و طبیعی است؟
۷. آیا انتخاب مدخل‌ها بر اساس زبان معیار بوده و یا به گونه‌های آن نیز توجه شده است؟ در حالت دوم، منطق ضبط این واژه‌ها چه بوده است؟
۸. آیا در ارائه مدخل‌ها و معادل‌ها، به برجسب‌دهی آن‌ها که گویای اطلاعات مورد نیاز کاربر (سبک، سیاق، گونه و غیره) است، اشاره شده است؟
۹. آیا در انتخاب مدخل‌ها و ارائه معادل‌ها، محتوا و نمود فرهنگی واژه‌ها و تفاوت‌های آن در دو زبان لحاظ شده است؟
۱۰. آیا برای مدخل‌ها تلفظ ثبت شده است؟ آیا تلفظ‌ها با راهنمای تلفظ ارائه شده در فرهنگ هماهنگ است؟
۱۱. آیا در انتخاب معادل‌ها، به ظرافت‌های معادل‌گزینی توجه و به طور مشخص از ارائه تعریف به جای معادل پرهیز شده است؟
۱۲. آیا فرهنگ صرفاً دارای مدخل و نیز زیرمدخل هست؟ در صورت وجود زیرمدخل، آیا به هماینها و اصطلاحات نیز اشاره شده است یا خیر؟
۱۳. آیا با هدف کمک به کاربر، متناسب با دشواری برخی مدخل‌ها، ضرورتی برای استفاده از تصاویر آموزشی وجود داشته است؟
۱۴. جایگاه اطلاعات کاربردی، مانند ارائه اطلاعاتی چون «به طعنه»، «به شوخی» و «به تحقیر»، در ارائه مدخل‌ها و معادل‌ها کجاست؟
- استارک (Stark, 2011)، ضمن ارائه نمونه‌ها و شواهدی مناسب از پنج فرهنگ موضوعی دوزبانه (انگلیسی - فرانسوی)، تأکید می‌نماید که در تدوین و نیز ارزیابی این دسته از فرهنگ‌ها، متناسب با هدف فرهنگ موضوعی، توجه به این موارد و یا شماری از آن‌ها در بهبود روند تدوین و نیز اصلاح و بازنگری آن‌ها مؤثر است. وی در ادامه معرفی الگوی پیشنهادی خود، به صراحت بیان می‌کند که در نظر گرفتن ماهیت این دسته از فرهنگ‌ها که تلفیقی از فرهنگ‌های آموزشی، دوزبانه و موضوعی است، در روند تهیه و تدوین و نیز نقد و ارزیابی آن‌ها، توجه به مبانی و ویژگی‌های این دسته از فرهنگ‌ها سودمند خواهد بود (Stark, 2011).

بحث و بررسی

در این بخش، با تکیه بر چارچوب نظری پژوهش، از دو منظر مدخل‌گزینی و معادلیابی،

یعنی دو مؤلفه مهم در ارزیابی فرهنگ‌های واژگانی به طور عام و فرهنگ‌های دوزبانه موضوعی به طور خاص، به روش کتابخانه‌ای به ارزیابی و نقد فرهنگ مورد نظر می‌پردازیم. از این رو، یافته‌ها در دو بخش مدخل‌گزینی و معادل‌یابی توصیف و تحلیل شده‌اند.

الف) مدخل‌گزینی

نحوه انتخاب مدخل و ارائه آن در یک فرهنگ، از جمله مؤلفه‌هایی است که در روند تدوین و نیز نقد و ارزیابی آن اهمیت بسزایی دارد. در این خصوص در سه بخش به بررسی و نقد روند مدخل‌گزینی در فرهنگ حاضر پرداخته می‌شود:

۱. مدخل‌های مهجور. تأکید این فرهنگ، ارائه واژه‌های روزمره و پرکاربرد زبان فارسی برای فراگیران عام و نیز تحصیل کرده است. با وجود این، از حیث مدخل‌گزینی با ایرادهایی اساسی روبه‌روست که یکی از آن‌ها شمار نسبتاً زیاد مدخل‌های قدیمی، نامأنوس و حتی مهجور است؛ مدخل‌هایی که اساساً نمی‌توانند واژه‌های متعلق به فارسی امروز باشند. به بیانی دیگر، بر اساس الگوی استارک (Stark, 2011) توجه به عنصر زمان، در این فرهنگ به خوبی رعایت نشده است. تنها نمونه‌هایی از این موارد که برگرفته از دو مجموعه موضوعی: الف) زیست‌شناسی و ب) پرندگان و حشرات است، بدین نحو قابل ارائه است (جدول ۱):

جدول ۱ نمونه‌هایی از مدخل‌های مهجور

| مدخل مهجور ارائه شده / شماره صفحه | معادل انگلیسی | مدخل رایج پیشنهادی |
|-----------------------------------|---------------|--------------------------|
| اختلاج/ ۲۰۸ | convulsion | تشنج |
| جخش/ ۲۱۲ | goiter | گواتر |
| چکمیزکی/ ۲۱۲ | incontinence | بی‌اختیاری ادرار |
| کلنگ/ ۳۹ | crane | درنا |
| غلیواج/ ۳۸ | kite | (پرنده) زغن |
| قره‌چایلاق/ ۳۸ | honey buzzard | سارگپه (جنگلی) |
| قطا/ ۳۸ | sand grouse | (پرنده) باقرقره، سنگخوار |
| کاروانک/ ۳۹ | crane | درنا |

۲. مدخل‌های حرف‌نگاری یا آوانگاری شده. هر چند در موارد متعددی در این فرهنگ شاهد نوعی افراط‌گرایی در واژه‌سازی در فارسی بوده‌ایم، تعجب‌آور آن است که شمار بسیاری از مدخل‌ها صرفاً آوانگاری و یا حرف‌نگاری شده‌اند و یا آن‌که با وجود

معادل‌های رایج در فارسی، صورت نامتعارف و یا غیر رایج فرضی آن‌ها ارائه شده است. این دسته در دو بخش مدخل‌های عمومی و تخصصی طبقه‌بندی می‌شود و نمونه‌هایی چند از واژه‌های عمومی دارای معادل فارسی طبق جدول ۲، بدین نحو قابل ارائه است:

جدول ۲ نمونه‌هایی از مدخل‌های عمومی آوانگاری یا حرف‌نگاری شده

| مدخل ارائه شده / شماره صفحه | معادل انگلیسی | مدخل مناسب در فارسی |
|-----------------------------|----------------|----------------------|
| آتاشه/۲۵۹ | attaché | رایزن، وابسته سیاسی |
| چوک/۴۶ | choke | ساسات |
| ماسل/۱۵۸ | mussel | صدف سیاه |
| باجریگار/۳۶ | budgerigar | مرغ عشق |
| والانس/۵۹ | valence | ظرفیت |
| پست رستانت/۲۵۵ | poste restante | دایره امانات پستی |
| ول/۸ | vole | موش آبی، موش علف‌زار |
| ماکرل/۱۵۸ | mackerel | گورماهی |

در کنار این دسته از مدخل‌ها، شاهد فهرست بسیاری از کلمات آوانگاری و یا حرف‌نگاری شده در موضوعات کاملاً تخصصی و علمی هستیم که نه تنها نمونه‌هایی از واژه‌های پر کاربرد فارسی ولو در متون علمی نیستند، بلکه حتی در مواردی در فرهنگ‌های تخصصی و یا آثار و منابع تخصصی نیز این گونه ضبط نشده‌اند. این روند دقیقاً در تعارض با الگوی پیشنهادی استارک (Stark, 2011) مبنی بر ضرورت توجه به مرزبندی بین واژه‌های عمومی و تخصصی است. ارائه نمونه‌هایی از این گونه مدخل‌ها (از صفحه‌های ۵۱ تا ۶۱ کتاب مورد نظر) خود شاهدی گویا بر این مدعاست: اپی دوت، الاتریت، الیوین، بورت، بیتومن، پرزل، دیاتومیت، دیوریت، روتیل، کاسی‌تریت، کوراندوم، کوپریت، کیاستولیت، کوپریت، گابر، کیانیت، کیاستولیت، گانیت، استالاگتیت، پروپان، پیوتر، تریلن، دکستروز، کاتیون، هیک، هداک، و لابرودریت.

۳. مدخل‌های خودساخته. به دلایلی چند، شاهد ارائه مدخل‌هایی در این فرهنگ هستیم، حتی در مواردی که ذهن یک فارسی‌زبان را به مفهوم آن نزدیک نماید؛ اما هیچ سابقه‌ای در زبان فارسی ندارد و در بسیاری از موارد محصول واژه‌سازی مؤلف فرهنگ است. این در حالی است که ماهیت فارسی به انگلیسی فرهنگ ایجاب می‌نماید که مدخل‌ها واقعاً در زبان فارسی کاربرد داشته باشند، نه این که با فرض درست بودن مفهومی،

محصول واژه‌سازی و یا واژه‌پردازی مؤلف باشند. مروری بر فرهنگ حاضر نشان می‌دهد که شمار زیادی از مدخل‌ها ماحصل واژه‌سازی مفهومی و یا گرده برداری مؤلف است؛ موضوعی که نتیجه آن ارائه واژه‌هایی ناموجود و در موارد متعدد غلط در زبان فارسی است. نمونه‌هایی از این گونه مدخل‌ها طبق جدول ۳ قابل ارائه است. یادآوری می‌گردد که مدخل مناسب پیشنهادی برگرفته از معادل‌های ارائه شده برای واژه انگلیسی در دو فرهنگ هزاره (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۱) و فرهنگ پویا (باطنی، ۱۳۸۵) بوده است.

جدول ۳ نمونه‌هایی از مدخل‌های خودساخته

| مدخل فارسی خودساخته / شماره صفحه | معادل انگلیسی | مدخل مناسب پیشنهادی |
|----------------------------------|------------------------|---------------------------------|
| دفترچه چک/ ۲۵۶ | cheque book | دسته چک |
| بی‌پستان پوش/ ۶۳ | topless | (لباس) بدون بالاتنه |
| کارسالار صنعتی/ ۲۵۱ | industrialist | صاحب صنایع، کارخانه‌دار |
| قطعات منفصله/ ۲۵۱ | accessories | لوازم فرعی |
| اعضای مأموریت/ ۲۵۹ | members of the mission | اعضای هیئت نمایندگی |
| اقدام کارگری/ ۲۴۷ | industrial action | اعتصاب کارگری |
| امتیازات ویژه بیگانگان/ ۱۱۵ | capitulation | حق قضاوت کنسولی، کاپیتولاسیون |
| پرورشگاه گل/ ۱۶ | nursery | نهایستان، قلمستان، باغ پرورش گل |
| فضا آزم/ ۲۱ | space probe | کاوشگر، سفینه بدون سرنشین |
| خسبانگر/ ۲۱۳ | incubator | انکوباتور (نوزاد)، دستگاه |
| ماندگار/ ۲۲۷ | hotel resident | مهمان یا مسافر هتل |
| تالار رهسپاران/ ۱ | departure lounge | سالن خروجی |
| دایره یک طرفه/ ۴۶ | roundabout | فلکه، میدان |
| تندرانی/ ۴۵ | speeding | سرعت غیر مجاز |
| برگه گسترده/ ۷۲ | spreadsheet | (رایانه) صفحه گسترده |

با هدف نشان دادن مناسب‌تر این کاستی بزرگ در این اثر، دو بخش از موضوعات هفتادگانه مرتبط با حوزه زبان، یعنی بخش «زبان و زبان شناسی» و «ادبیات» از حیث این دسته از معادل‌های خودساخته و یا گرده برداری شده بررسی شد؛ در جدول ۴ از این کاستی آمده است. این در حالی است که برای کلیه این مدخل‌ها در زبان فارسی

معادل‌هایی رایج و مقبول وجود دارد، شاهد ارائه این دسته از معادل‌های خودساخته و نادرست در برابر واژه‌های انگلیسی در قالب مدخل‌های فرهنگ هستیم. گفتنی مدخل پیشنهادی برگرفته از معادل‌های ارائه شده در دو فرهنگ عمومی هزاره (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۱) و فرهنگ پویا (باطنی، ۱۳۸۵) و نیز فرهنگ گزیده واژگان زبان‌شناسی (عاصی، ۱۳۷۵) بوده است.

جدول ۴ نمونه‌هایی از مدخل‌های خودساخته و یا نادرست در حوزه زبان و زبان‌شناسی و ادبیات

| مدخل مناسب پیشنهادی | معادل انگلیسی | مدخل فارسی خودساخته یا نادرست / شماره صفحه |
|---------------------------|---------------|--------------------------------------------|
| گویشور | informant | آگاهی‌دهنده/۲۸۰ |
| کهنه، مهجور | obsolescent | از پسند افتادنی/۲۸۰ |
| موهن، توهین‌آمیز، زنده | pejorative | بدچم/۲۸۰ |
| القایی، عاطفی | expressive | پر معنا/۲۸۱ |
| اشتقاق پس‌رو، پس‌سازی | backformation | پس‌انداخت/۲۸۱ |
| (دستور) زایشی | generative | زاینده/۲۸۳ |
| سرنام | acronym | تارک نام/۲۸۱ |
| نقطه ویرگول | semi-colon | نیم وک/۳۰۱ |
| زبان صنفی | argot | ویژه گویش/۲۸۷ |
| (پشت جلد کتاب) معرفی | blurb | آگهی تعریف‌آمیز/۲۸۸ |
| اقتباس | pastiche | اثر تبلیغی/۲۸۸ |
| سبک متکلف، سبک مصنوع | euphuism | یوفیوزگویی/۲۹۶ |
| کتاب راهنما، مرجع دم‌دستی | vade-mecum | دست‌یاور/۲۹۰ |
| طرح فرعی، پیرنگ فرعی | subplot | زیرداستان/۲۹۱ |
| معنای نهفته، معنای پنهان | subtext | زیرچم/۲۹۱ |
| سیره‌نویسی | hagiography | سپستانگاشت/۲۹۲ |
| گرفته‌برداری | calque | روبرداشت/۲۸۳ |
| حاکمیت | government | فرمانش/۱۹۹ |

ب) معادل‌یابی

نظر به اهمیت مقوله معادل در فرهنگ‌های دوزبانه، مؤلفه معادل‌یابی و روند آن در فرهنگ مورد نظر با ارائه مثال‌ها و شواهدی متعدد بررسی می‌گردد.

معادل‌های غلط در انگلیسی. ناآشنایی کافی مؤلف با زبان فارسی و واژگان آن سبب

شده تا وی ابتدا برای کلمات انگلیسی از منابع مختلف و یا مبتنی بر شم زبانی خود و یا از آنچه از مقدمه وی بر این اثر برداشت می‌شود، با یاری گرفتن از دوستان فارسی زبان خود، معادل‌هایی در فارسی یافته و آن‌ها را به نحوی موضوعی فهرست نماید. این ضعف سبب شده تا در مواردی چند، بدون توجه به حوزه کاربرد واژه برای واژه‌های انگلیسی معادل-هایی غلط بیابد. شماری از این موارد به همراه معانی فارسی معادل‌های ارائه شده بدین نحو قابل ارائه است:

جدول ۵ نمونه‌هایی از معادل‌های غلط

| معنای فارسی معادل‌های انگلیسی | واژه انگلیسی | مدخل فارسی / شماره صفحه |
|-------------------------------|-----------------|-------------------------|
| گوزن | deer | آهو/۴ |
| بچه گرگ، توله گرگ | wolf cub | بچه گرگ/۴ |
| سیاه‌چاله | black hole | سوراخ سیاه/۲۱ |
| گوزن ماده | doe | آهوی ماده/۴ |
| عبور | transit | توقف/۱ |
| (بلیت) یک‌سره | one-way | دوسره/۱ |
| (بلیت) دوسره | return | بلیت یک‌سره/۱ |
| مامور اجرا، پلیس دادگاه | bailiff | ناظم جلسه/۱۰۴ |
| درس حرفه و فن | industrial arts | فنون صنعتی/۲۵۱ |
| پادری | doormat | کفش پاک‌کن/۲۳۴ |
| عقاب | eagle | قره‌قوش/۳۸ |
| زردپی | tendon | تنود/۲۷ |

نمونه‌ای در تأیید ناآشنایی مقبول مؤلف از زبان فارسی می‌توان به این نمونه اشاره کرد: در بخش وسایل منزل، برای مدخل «راحتی» (ص ۲۳۲) که به نوعی وسیله نشستن اشاره دارد، مؤلف صرف شباهت این کلمه با واژه «راحتی» به معنای آسایش، برای این وسیله منزل در انگلیسی معادل comfort را آورده است. و یا آن‌که ارائه مدخل نامأنوس و ناموجود «تورم سواره» (ص ۱۱۱) برای عبارت galloping inflation و یا در خصوص واژه‌های مرتبط با پرواز، مدخل «بالاروی» (ص ۱) با معادل ascent که اشاره به صعود یا اوج گرفتن هواپیما دارد و یا مدخل «بچه لوله آزمایشگاهی» (ص ۲۰۹) به جای «بچه آزمایشگاهی» برای اصطلاح test-tube baby، همگی نشانه‌هایی گویا بر ضعف شم زبانی

مؤلف است. نیز مدخل «بررسی پیشاهنگ» (ص ۴۱۴) با معادل pilot survey که در روش تحقیق با عنوان «بررسی آزمایشی» شناخته می‌شود و یا مدخل «پاسدار ساحلی» (ص ۴۰۳) برای «coast guard» که مراد از آن همانا «گارد ساحلی» و یا «پلیس دریا» است، از دیگر موارد هستند.

اگر از اشتباه‌های پراکنده در املاهای مدخل‌هایی همچون «شلوقی» (ص ۴۵۱) به جای «شلوغی» و یا آوانگاری‌های همراه با اشتباه برای مدخل‌های فارسی چشم‌پوشی نمایم و نیز از چند تصویر کاملاً بی‌ارتباط که در پایان هر بخش هفتادگانه موضوعی - باید مبین تصویری متناسب و مرتبط با واژه‌های آن بخش باشند - بگذریم (ر.ک.: صفحات ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۵۷)، به‌طور کلی می‌توان دیگر ضعف‌های این فرهنگ را یکی در بی‌توجهی به سطوح کاربردی و سبکی واژه‌ها در زبان فارسی و انگلیسی از حیث واژه‌های با کاربرد رسمی، غیر رسمی، عامیانه، قدیمی و غیره دانست و دیگر آن‌که در خصوص واژه‌های هم‌آوا و یا به‌طور مشخص تر واژه‌های چندمعنا به نوع کاربرد آن‌ها متناسب با بافت اشاره‌ای نشده است. برای نمونه، برای مدخل «دفتر» (ص ۱۲۸) صرفاً بدون هیچ‌گونه توضیحی، به ترتیب دو معادل office و notebook آمده است، بدون آن‌که به بافت کاربردی آن‌ها و تفاوت معنایی آن‌ها اشاره‌ای گردد.

حال با هدف ارائه تصویری روشن‌تر از این دسته از اشتباه‌ها و کاستی‌ها، مدخل‌های یکی از موضوعات هفتادگانه یعنی «رسانه»^۱ (در صفحه‌های ۳۰۹ تا ۳۱۲) بررسی و تحلیل می‌گردد.

این بخش موضوعی، حاوی ۱۱۲ مدخل است که شمار زیادی از آن‌ها با کاستی‌ها و یا اشتباهاتی بارز روبه‌روست. در این بخش با هدف ارائه تصویری از این کاستی‌ها، شماری از آن‌ها به اجمال بررسی می‌گردد. یادآوری می‌شود که شواهد متعددی نشان می‌دهد به دلیل شم زبانی ضعیف فرهنگ‌نویس، وی ابتدا واژه‌های انگلیسی مرتبط با موضوعات را جمع‌آوری کرده، برای آن‌ها معادل فارسی وضع نموده و سپس مطابق الفبای فارسی در هر بخش موضوعی تنظیم نموده است. بنابراین از آنجا که عمده مشکلات ناشی از معادل‌یابی واژه‌های انگلیسی در فارسی است، ابتدا واژه انگلیسی ارائه شده و سپس درباره معادل ارائه‌شده در فارسی بحث می‌شود.

- hoarding: معادل این واژه در فارسی به شکل «آگهی دیواری» آمده است

1. the media

(ص ۳۰۹)؛ اگر از ابهام ناشی از چگونگی ارتباط آن با مقوله رسانه بگذریم، این واژه در انگلیسی بریتانیایی به معنای «تخته آگهی» یا «محل چسباندن آگهی» است.

- audience rating: برای این عبارت معادل نامفهوم «آمارگیری بینندگان» آمده (ص ۳۰۹)، در حالی که معادل آن «آمار بینندگان» است. به نظر می‌رسد -ing در واژه rating سبب این گونه معادل گذاری شده است.

- editorial office: برای این عبارت، معادل نامأنوس «اداره سردبیر» ضبط شده (ص ۳۰۹)، در حالی که مراد از آن در فارسی، «دفتر سردبیر» است.

- recording studio: به اشتباه برای این عبارت معادل «اطاق پخش» (ص ۳۰۹) آمده است. اگر مدخل فارسی را ملاک انتخاب قرار دهیم، معادل آن در انگلیسی broadcasting studio است.

- market research: در مقابل این عبارت معادل غریب «بازار پژوهشی» آمده (ص ۳۰۹)، در حالی که معادل مناسب برای این عبارت در فارسی، «بازارسنجی» یا «بررسی بازار» است.

- new edition: «چاپ نو» معادل ارائه شده برای این عبارت است (ص ۳۰۹)، اما معادل مناسب و رایج آن در فارسی «ویرایش جدید» است.

- newscaster: برای این واژه «خبررسان» آمده (ص ۳۰۹)، در حالی که معادل مناسب آن واژه رایج «گوینده خبر» است.

- journalist: «خبرنگار» معادل ارائه شده برای این واژه است (ص ۳۱۰)، اما در انگلیسی معادل «روزنامه‌نگار» است و برای خبرنگار معادل‌هایی چون reporter و correspondent رواج دارد.

- story: برای این واژه معادل «داستان» آمده (ص ۳۱۰)، اما در حوزه رسانه، معادل رایج برای این واژه «گزارش، شرح، خبر و رویداد» است.

- daily newspaper: «روزنامه یومیه» معادل ارائه شده برای این عبارت است (ص ۳۱۰)؛ واژه‌ای نامأنوس که در فارسی صرف کاربرد «روزنامه» همین معنا در ذهن متبادر می‌شود.

- journales/ journalistic: در مقابل این دو واژه، به اشتباه معادل «سبک روزنامه‌ای» آمده (ص ۳۱۰)، اما مراد از journales همانا «زبان ژورنالیستی» یا «زبان روزنامه‌نگاری» است که متضمن نوعی معنای تحقیرآمیز نیز هست. واژه دیگر هم اساساً صفت است و در معنای «(مربوط به) روزنامه‌نگاری» کاربرد دارد.

- tabloid: «شایعه‌نامه» معادل ارائه‌شده برای این واژه است (ص ۳۱۰). اما در حوزه روزنامه‌نگاری معادل این واژه «روزنامه قطع کوچک»، «روزنامه نیم‌ورقی» و یا «روزنامه جنجالی» است.

- editorial staff: عبارت نامأنوس «کارمندان دفتر سردبیری» معادل این عبارت ضبط شده (ص ۳۱۱) و معادل مناسب و رایج آن «هیئت تحریریه» است.

- press officer: «متصدی تبلیغات» برای این عبارت معادل‌گذاری شده (ص ۳۱۱)، اما معادل آن در فارسی «سخنگوی مطبوعاتی» است.

- headline: برای این واژه معادل «عنوان مقاله» آمده (ص ۳۱۱)، اما این واژه در روزنامه‌نگاری به معنای «تیتر» و یا «تیتر درشت» است و در حوزه خبر، به معنای «سرخط اخبار» و در حالت جمع به معنای «خلاصه اخبار» و «اهم اخبار» است.

- theater review: «هنرسنجی تئاتر» معادل ارائه‌شده و این اصطلاح است (ص ۳۱۱)، اما مراد از آن «نقد تئاتر» است؛ کما این که معادل film review همانا «نقد فیلم» است. اما علاوه بر این خطاهای بارز که تنها به تعدادی از آن‌ها به‌اجمال اشاره شد، شمار زیادی واژه‌های بی‌ارتباط با حوزه رسانه همچون: pulp fiction (= داستان‌نویسی مبتذل) (ص ۳۱۰)، quality fiction (= داستان‌نویسی کیفیت‌دار) (ص ۳۱۰) وجود دارند که در واقع باید جای خود را به pulp newspaper (= روزنامه/نشریه بازاری) و quality newspaper (= روزنامه/نشریه وزین و معتبر) بدهند. همچنین به شمار زیادی واژه مرتبط با حوزه رسانه، از جمله: مخاطب (= audience)، خبرنامه (= newsletter)، رسانه‌های خبری (= news media)، و خبر کوتاه (brief) توجه نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضمن معرفی فرهنگ موضوعی فارسی - انگلیسی (Turner, 2003)، با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی استارک (Stark, 2011)، به‌منزله مهم‌ترین اثر و چارچوب موجود در تدوین و نیز ارزیابی فرهنگ‌های دوزبانه موضوعی، ارزیابی و نقد این فرهنگ شاخص صورت گرفت؛ فرهنگی که اثری پیشگام در حوزه فرهنگ‌نویسی موضوعی دوزبانه در فارسی شناخته می‌شود و ناشری پرآوازه و معتبر آن را منتشر کرده است. همان‌طور که آمد، علاوه بر امتیازهای این فرهنگ (بر پیشگامی، تنوع و تعدد بخش‌های موضوعی آن، نحوه موضوع‌گزینی، پرهیز از تعریف به جای معادل، ارائه اصطلاحات و

عبارات پر کاربرد در هر بخش موضوعی)، اما از حیث مدخل‌گزینی و معادل‌یابی، دو رکن مهم در تدوین و ارزیابی هر فرهنگ، با کاستی‌هایی قابل تأمل همراه بوده است؛ مانند شواهد ارائه‌شده در خصوص مدخل‌گزینی و معادل‌یابی در فرهنگ موضوعی حاضر. در این مقاله، با هدف نشان‌دادن تصویری از کاستی‌های این فرهنگ، شماری از این نمونه‌ها در هر بخش و متناسب با اهمیت موضوع ارائه شد که حتی فراتر از این مواردند. بی‌تردید علاوه بر ضرورت ارزیابی و اصلاح این دسته از آثار، باید زبان‌شناسان و فرهنگ‌نگاران در راستای تهیه و تدوین فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه آموزشی بکوشند تا نیاز فراگیران زبان فارسی برطرف شود. از آنجا که فرهنگ‌های آموزشی منابعی ارزشمند در حوزه آموزش زبان محسوب می‌شوند، بنابراین، در هر گونه تلاشی در راستای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و نیز گسترش نظام‌مند زبان فارسی در دیگر جوامع، مؤلفه‌ای مهم در سطح برنامه‌ریزی پیکره‌ای زبان هستند. از این رو با تأکید بر ضرورت مقوله فرهنگ‌های آموزشی، شایسته است که متخصصان این حوزه به دو موضوع خاص توجه داشته باشند: نخست به مقوله نقد فرهنگ - حوزه‌ای مطرح در بخش فرهنگ‌نگاری نوین - که رویکردی علمی در بهبود وضعیت فرهنگ‌نگاری و پایه محکمی در ارزیابی وضع موجود است (ر.ک.: وثوقی، ۱۳۸۲؛ قانعی‌فرد، ۱۳۸۴) و دوم، ضرورت ورود متخصصان حوزه فرهنگ‌نویسی نظری و عملی به بخش برنامه‌ریزی و طراحی و تدوین انواع فرهنگ‌های آموزشی، به‌ویژه برآورده‌ساختن نیازهای فارسی‌آموزان دیگر زبان‌ها. توسل به مبانی و مؤلفه‌های فرهنگ‌نگاری نوین ایجاد می‌کند تا متخصصان این بخش با لحاظ نمودن مؤلفه‌هایی چون نیازسنجی مخاطب، سطح مخاطب، توجه به سطوح کاربردی، و منبع‌گزینی در مسیر تدوین و تألیف فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه و در اشکال، انواع و سطوح مختلف گام بردارند (ر.ک.: داوری و همکاران، ۱۳۸۸؛ شریفی و فخام‌زاده، ۱۳۸۶؛ قربان‌زاده، ۱۳۹۲؛ داوری، ۱۳۹۸). برای نمونه، در طراحی فرهنگی آموزشی در این سطح با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی استارک (Stark, 2011) باید به این موارد توجه داشت: (۱) در یک فرهنگ آموزشی با سطح عمومی، مدخل‌ها و به تبع آن معادل‌های ارائه شده باید واژه‌هایی رایج، مناسب و روزآمد باشند و یا به تعبیری نمونه‌هایی از زبان امروز باشند؛ در واقع پرهیز از ضبط مدخل‌های مهجور و نامأنوس و ارائه غیر تجویزی واژه‌های رایج در زبان از اولین گام‌ها در مدخل‌گزینی محسوب می‌گردد. (۲) انتخاب پیکره‌ای متناسب با نیاز مخاطب، عاملی تعیین‌کننده در تعیین حجم و گستره فرهنگ است؛ به عبارتی، بهره‌گیری از فرهنگ‌های فارسی مناسب و نیز پیکره‌های روزآمد ضروری است. (۳) توجه به حوزه‌های

معنایی معادل‌ها و ارائه اطلاعات واژگان‌شناختی آن‌ها در قالب اطلاعات گویشی، سبکی (محاوره، رسمی، نوشتار، ادبی، عامیانه و غیره)، موقعیتی، کاربردی، دایرةالمعارفی و غیره در تدوین هر فرهنگی و از آن جمله فرهنگ‌های آموزشی اهمیتی اساسی دارد. (۴) ارائه معادل و پرهیز از تعریف و تشریح مفاهیم، شاخصی است که یک فرهنگ را از دایرةالمعارف متمایز می‌سازد؛ به عبارتی، درج بافت زبانی و بهره‌گیری از تصویر می‌تواند بر غنای آموزشی آن بیفزاید.

البته فقدان متولی مشخص در بخش فرهنگ‌نگاری و آشفستگی بازار نشر و نیز مسائلی چون مشکلات موجود در مسیر معرفی و عرضه آثار به مخاطبان واقعی و کم‌توجهی به قابلیت‌ها و امتیازهای فضای مجازی به عنوان تسهیل‌کننده‌ای کارآمد در مسیر یافتن مخاطبان واقعی فرهنگ‌ها، چالش‌هایی مهم در روند عرضه آثاری از این دست محسوب می‌گردند.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵). فرهنگ پویا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- بختی، بشیر و مژگان فقیهی (۱۳۸۱). *واژگان موضوعی معاصر (فارسی - انگلیسی)*، تهران: مؤسسه انتشارات عطائی.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۲). «مروری بر مقوله نقد فرهنگ لغت و مبانی آن»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، شماره ۵ و ۶، ص ۷۵-۹۲.
- حق‌شناس، علی‌محمد، سامعی، حسین و نرگس انتخابی (۱۳۸۱). *فرهنگ هزاره*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- داوری، حسین (۱۳۹۶). «زبان معیار در فرهنگ درست‌نویسی آن»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۱، ص ۹۹-۱۲۰.
- داوری، حسین (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی شیوه معادل‌گزینی در فرهنگ معاصر کیمیا»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۴، ص ۱۳۹-۱۵۵.
- داوری، حسین، ایرانمهر، ابوطالب و سیدمهدی عرفانی (۱۳۸۸). «بازبینی و نقد فرهنگ کیمیا»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، شماره ۳، ص ۲۲۱-۲۴۰.
- دبیرمقدم، محمد و مهری قره‌گزی (۱۳۹۷). *کتاب‌شناسی توصیفی آرفا: آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۳). «کتاب‌شناسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، *سخن عشق*، شماره ۲۳، ص ۴۰-۵۷.
- رئیس، نفیسه (۱۳۹۶). «کتاب‌شناسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، *آیین پژوهش*، شماره ۱۶۶، ص ۱۵۵-۱۲۷.

- زارع بهتاش، اسماعیل (۱۳۹۳). فرهنگ موضوعی فارسی به انگلیسی، تهران: انتشارات جنگل.
- شریفی، ساغر و پروانه فخامزاده (۱۳۸۶). «مدخل‌گزینی در فرهنگ عمومی یک زبان»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۲۴.
- عاصی، سید مصطفی (۱۳۷۵). *واژگان گزیده زبان‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قانع‌فرد، عرفان (۱۳۸۴). *نخستین درس‌های فرهنگ‌نگاری*، تهران: بهنود.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۲). «پیشنهادهایی به مؤلفان فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های دیگر»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۷، ص ۳۹-۵۷.
- قره‌گزی، مهری و مهرداد اصغرپور (۱۳۹۲). «منابع آموزشی آرفا؛ آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۳۲، ص ۹۵۷-۹۷۲.
- وثوقی، حسین (۱۳۸۲). *واژه‌شناسی و فرهنگ‌نگاری در زبان فارسی*، تهران: باز.
- محمدزاده میانجی، انوشیروان (۱۳۷۴). *فارسی مدرن*، تبریز: مهران.

- Akasu, K. (2013). "Methods in dictionary criticism", In H. Jackson (ed.), *The Bloomsbury Companion to Lexicography*, pp. 48-61, London: Bloomsbury.
- Atkins, B. T. (1985). "Monolingual and bilingual learners' dictionaries: A comparison", In C. J. Brumfit (ed.), *Dictionaries, Lexicography and Language Learning*, pp. 15-24, London: British Council.
- Awde, N. & M. Shahrifaf (2006). *Farsi-English/English-Farsi Dictionary & Phrasebook*, New York: Hippocrene Books.
- Cowie, A. P. (2011). "Learners' dictionaries in a historical and a theoretical perspective", In H. Tomas & P. Kerstin (eds.), *The Perfect Learners' Dictionary (?)*, pp. 3-14, Berlin: De Gruyter.
- Dehghani, Y. (2006). *Persian-English English-Persian Learner's Dictionary*, Australia: IBEX Publishers.
- Hartmann, R. R. K. (1996). "Lexicography as an applied linguistic discipline", In: R. R. K. Hartmann (ed.), *Solving Language Problems: From General to Applied Linguistics*, pp. 230-244, Exeter: University of Exeter Press.
- Jackson, H. (2002). *Lexicography: An Introduction*, London and New York: Routledge.
- McArthur, T. (1991). *Longman Lexicon of Contemporary English*, Longman.
- Mirsadeghi, N. (2013). *1000+ Most Useful Persian Words*, Tehran: Bahar Books.
- Mirsadeghi, N. (2014). *500+ Persian Phrases*, Tehran: Bahar Books.
- Mohammadzadeh Miandji, A. (2003). *Concise Farsi-English, English-Farsi Dictionary*, New York: Hippocrene Books.
- Stark, M. (2011). *Bilingual Thematic Dictionaries*, Vol. 140, Berlin: Walter de Gruyter.
- Tarp, S. (2008). *Lexicography in the Borderland Between Knowledge and Non-Knowledge: General Lexicographical Theory With Particular Focus on Learner's Lexicography*, Berlin: Walter de Gruyter.
- Tarp, S. (2010). "Functions of specialized learners' dictionaries", In P. A. Fuertes-Olivera (ed.), *Specialised Dictionaries for Learners*, pp. 39-54, Berlin: Walter de Gruyter.
- Turner, C. (2003). *A Thematic Dictionary of Modern Persian*, London: Routledge.
- Zamankhani, M. (2015). *Farsi-English, English, Farsi Dictionary*. Star Foreign Language Books.